

زنان و خانواده

فصلنامه علمی «پژوهش نامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده»،

دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صص ۶۰-۳۴

مقاله علمی - پژوهشی

حقوق معنوی غیر الزامی (اخلاقی) زوجه با تأکید بر خانواده حدیث

طاهره سترگ^۱

چکیده

اسلام بر رعایت حقوق مادی در خانواده تأکید دارد و در سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز با دقت مورد توجه و عنایت بوده؛ اما اساس خانواده بر حفظ حقوق معنوی استوار است. زیرا حقوق مادی، نمای ظاهری ساختمان خانواده را زیبا می کند؛ اما پایه ها و بدنه آن با حفظ حقوق معنوی استحکام می یابد و این سرمایه معنوی، حقی متقابل است که زن و مرد هر دو بایستی رعایت کنند: «و لهنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (سوره بقره/۲۲۸)؛ و مانند همان وظایفی که بر عهده ی زنان است، به طور شایسته بر عهده ی مردان است. بر این اساس، پژوهش حاضر با معرفی اصول قرآنی ناظر بر حقوق معنوی غیر الزامی زوجه و با تأکید بر خانواده حدیث به روش اسنادی - تطبیقی و تحلیلی با هدف اصلاح و تحکیم روابط زوجین نگاشته شده است. نتیجه آنکه اصول قرآنی احصا شده، بیانگر عنایت وافر خداوند به تأسیس، تعالی و پایداری بنای مقدس خانواده است و موید حاکمیت اصل تحکیم بنیان خانواده بر دیگر اصول مذکور می باشد؛ افزون بر این از منظر قرآن زن و شوهر، هر دو در حفظ این بنیان نقش دارند و از هر کاری که روابطشان را متشنج و مخدوش می کند باید اجتناب نمایند.

واژگان کلیدی

قرآن، خانواده، زوجه، حقوق معنوی غیر الزامی

^۱ . دکتری مدرسی معارف گرایش قرآن متون دانشگاه علوم حدیث شهرری، مدرس حوزه علمیه و دانشگاه مجازی المصطفی قم گرایش مطالعات زنان و دانشگاه غیر انتفاعی رفاه؛ ایمیل Tahaset21@gmail.com

مقدمه

در مجامع بین المللی بحث و جدال فراوان در زمینه ی حقوق انسانی زنان وجود دارد و آنان در صدد اثبات حقوق انسانی منطبق با دیدگاه غرب گرا برای زنان می باشند و از طرفی کشورهای مختلف بر اساس فرهنگ های متفاوت خود، نظرات و عملکرد متفاوتی در زمینه حقوق انسانی زنان داشته و از اینرو لازم است تا منشوری که نمایانگر دیدگاه قرآن با تأکید بر حقوق معنوی زوجه باشد، تا بر اساس آن، حقوق انسانی زنان و نوع تعاملات رفتاری زوج در پناه تلطیف در حقوق و تأکید بر اخلاق با محوریت قوانین اسلامی روشن گردد؛ همچنین چنانکه گفته اند: قرآن طلبکاری است که هرگز وام او پرداخت نمی شود و غریبی است که هیچ گاه حق او ادا نخواهد شد: «القرآن غریمٌ لا یُقْضی دینُهُ و غریبٌ لا یُؤدّی حَقَّهُ» (به نقل از جوادی آملی، بی تا، ج ۱، ص ۵۴)؛ زیرا اوج معارف آن و عمق مطالب آن فقط ممسوس دست اندیشه تابناک معصومین (علیهم السلام) است: «إنه لقرآن کریم، فی کتاب مکنون، لا یمسه إلا المطهرون» (سوره واقعه/ ۷۷ - ۷۹). از این جهت در تعریف مفهوم تفسیر قرآن، قید «به قدر طاقت بشری» اخذ شده است. بنابراین، ضمن لزوم بصیر و بینا بودن مفسر لازم است برای بهره‌وری بیشتر از معارف قرآن کریم به «مطهرون» که همان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) هستند رجوع شود. (همان منبع، ص ۵۴) و ما نیز سعی نمودیم تا حد امکان با بهره‌وری از خانواده حدیث (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱) همچنین با تأکید بر سخنان حضرت علی (علیه السلام) که درباره ایشان بیان شده: هرکس در دین خود به علی بن ابی طالب (علیه السلام) اقتدا کرد هدایت یافت؛ که دلیل بر آن، گفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که درباره علی (علیه السلام) فرمود: «اللهم ادر الحق مع علی حیث دار». (تفسیر فخر رازی، ج ۱، ص ۲۱۰ به نقل از جوادی آملی، ۱۳۸۹) پیرو مسیر حقانیت و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم باشیم.

تحقیقات نشان می‌دهد که یازده مقوله شامل عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، انتخاب نادرست همسر، عدم همدلی و همراهی، رفتارهای خشونت‌آمیز، عدم گذران وقت با یکدیگر، نارضایتی جنسی، بی‌اعتمادی، عدم احساس مسئولیت مرد و عدم تعادل روحی مرد از جمله شرایط تأثیرگذار در طلاق عاطفی و نادیده گرفتن حقوق معنوی زوجه است. (باستانی و دیگران، ۱۳۸۹)

همچنین امروزه از عوامل دیگر نادیده گرفته شدن حقوق معنوی غیر الزامی زوجه؛ عدم مهارت ارتباطی، بیماری روحی، عدم بلوغ فکری و اعتیاد نیز دانسته‌اند. (هنریان، مسعود و سید جلال یونسی، بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، مطالعات روانشناسی بالینی، سال ۱، ش ۳، ۱۳۹۰ش.)

این پژوهش طبق الگوی ساختاری جدیدی که شامل تقسیم‌بندی اقسام حقوق معنوی زوجه در اسلام به عنوان یکی از مباحث مستحدثه فقهی که به الزامی (قانونی) و غیر الزامی (اخلاقی) تقسیم گشته و در این مقاله صرفاً به بُعد غیر الزامی آن پرداخته شده است؛ که خود به نوعی نوآوری در تبویب محسوب می‌شود و این نوع آرامش و مودت و رحمت که ثمره رسیدن زن به حقوق معنوی خودش هست، بالاترین سکینه و آرامشی است که نازل می‌شود بر روح زن و به تبع بر روح مرد و فرزندان که در پناه آن بهترین پویایی و استحکام خانواده بر ارمغان خواهد داشت؛ پرداخته است

معنای حقوق معنوی

یکی از مفاهیم اساسی در کتاب شریف نهج البلاغه، مفهوم حق است. در این کتاب گرانقدر متجاوز از سیصد بار از حق و مشتقات آن سخن به میان آمده و بر شناسایی و عمل به مقتضای آن تأکید شده است. (دشتی، محمدی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۱۵-۱۱۹) حقوق جمع حق است که از جمله معانی آن: ضد باطل، امر حتمی، عدل، مال، ملک و موجود ثابت می‌باشد. (معین، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۳۶۳)

غالباً حق در مقابل حکم است. حق در این معنا، معادل واژه **Droit** بوده و به «سلطه» معنا می‌شود؛ سلطنتی که از ناحیه شارع برای انسان جعل شده است. (هدایت نیا، ۱۳۸۵ش، ص ۲۳) همچنین حقوق دو دسته اند: مالی و غیر مالی. حقوق مالی، حقوقی اند که متعلق آن ها مال باشد، خواه آن مال عین باشد یا منفعت؛ هم چنین گاهی مال موضوع حق دین است که اصطلاحاً به آن «حقوق دینی» گفته می‌شود. حقی که زن نسبت به مهریه پیدا می‌کند از همین قبیل است. (همان منبع، ص ۲۴)

همچنین در تعریف حق معنوی از چند تعریف می‌توان بهره برد؛ یا تقسیم حق عینی است و یا تقسیم حق مالی است و یا مرادف حق فکری (ناصر، کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۷۴) است و یا مرادف حق اخلاقی به ویژه در پیشینه شناسی است و یا مرادف حق شخص نام برد؛ اما آنچه

منسوب به حقوق باطنی و حقیقی (حسن، عمید، عمید، ۱۳۶۳ ج ۲، ص ۱۸۲) است؛ رونالد دورکین حق را برحسب نتایج و آثار آن تجزیه و تحلیل کرده است و در خاتمه گوید: آن چنان که حق معنوی به نوعی حق شخصی^۱ است که خود، شامل حق اخلاقی (غیر الزامی) یا قانونی (الزامی) است؛ (بیکس، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸) که البته قابل تأمل است که اگر معنای شخصی استفاده شود؛ حق غیر قابل انتقال خواهد بود؛ در حالی که در مباحث اشاره شده به حقوقی همچون حق قسم، حق رضاع که قابل انتقال هستند و از بحث خارج می شود؛ از اینرو صحیح نمی باشد. نکته قابل توجه در خصوص روابط زن و شوهر، آن است که حقوق دانان غالباً حقوق مالی را از آن زن دانسته اند و حقوق غیر مالی را غالباً متعلق به شوهر می دانند. (همان منبع، ص ۲۵) به همین جهت بر آن شدیم تا با بررسی حقوق غیر مالی زوجه به عنوان «حقوق معنوی زوجه» که موضوع و متعلق حق مالی نباشد را برشماریم تا از غفلت و بی توجهی نسبت به آن بکاهیم.

بر این اساس به خوبی هماهنگی حقوق و اخلاق بلکه تقدم راهبردهای اخلاقی بر حقوقی در حوزه خانواده قابل استنباط است. در این حوزه حقوق باید در خدمت اخلاق قرار گیرد، نه اینکه اخلاق را در خدمت خود درآورد. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹۲) در نهایت چنین استنباط نمودیم که منظور از حقوق معنوی حقوقی که متعلق آن امری غیرمادی باشد و مرادف با اخلاق بوده که در فقه اسلامی نیز به صورت غیر صریح به رعایت آن‌ها اشاره نموده است. البته می توان تفسیر آیه ۹۰ سوره نحل را مؤید ابعاد حقوق معنوی دانست؛ که به این نکته اشاره داشت:

همانا عدل و احسان در کنار هم جاذبه دارد و گرنه مقررات خشک، دل‌ها را التیام نمی دهد.
 يَا مُرُّ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ «عدل، مقدار واجب و احسان، مقدار مستحب است.»
 حال قضیه این گونه استفاده می شود که عدل به معنای عام، حقوق الزامی و احسان هم در معنای شامل آن، حقوق غیر الزامی (اخلاقی) را هم در برمی گیرد.
 امر در اولی ارشاد به حکم عقل است که عقل و جوب اقامه عدل را می فهمد و امر به احسان اشاره به حقوق اخلاقی و غیر الزامی هم می کند که این امر "یأمر" نسبت به حقوق غیر الزامی، حمل به استحباب و کمال می شود. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۷۶)

^۱ subjective right

از اینرو آنچه حاصل از تحلیل تطبیقی قرآن إحصا گشت؛ مهمترین اصول قرآنی بود که شامل ۲۳ اصل جمع آوری شده ی ناظر بر حقوق معنوی غیر الزامی که برای زوجه پیش بینی شده و رعایت آن بر زوج واجب بوده و منجر به تحکیم خانواده می گردد، عبارتند از:

۱- اصل خدامحوری و ایمان

خداوند ایمان را محبوب دل ها قرار داده و آن را زیور جان آدمیان ساخته است و چون روح انسانی مجرد است نه مادی، و ایمان نیز امری است معنوی نه مادی؛ این امر معنوی یعنی ایمان، مایه جمال و زیبایی آن امر مجرد یعنی جان انسانی شده است. البته تمایز زیبایی تکوینی از اعتباری و امتیاز جمال رحمانی از زینت شیطانی مبسوطاً در قرآن کریم بیان شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۳)

تقسیم جمال به مادی و معنوی که در قرآن کریم آمده است، در سخنان صاحبان ولایت و مفسران اصیل آن نیز وارد شده است چنانکه در کلمات حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است:

«حسن الصّورة الجمال الظاهر» (تعمیمی آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۳) نیکویی صورت زیبایی ظاهر است.

«حسن النّیّة جمال السرائر» (همان منبع، ج ۳، ص ۳۸۲) نیت نیکو زیبایی درونی است.

«التّجمل من أخلاق المؤمنین» (تعمیمی آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷)

آرایش از اخلاق مؤمنان است.

نیز چنین آمده است که مردان با تقوی در عبادت خاشع و در عین فاقه و حاجت متجمل اند. (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۳) و این تجمل که از اوصاف مردان با ایمان است شامل هر دو قسم جمال خواهد بود، گرچه نسبت به جمال و زیبایی معنوی شمول بیشتری دارد. لذا حضرت علی علیه السلام به فرزندش حضرت حسن علیه السلام چنین می فرماید: «..فلتکن مسألک فیما بیقی لک جماله ویُنفی عنک وباله فالمال لایبقی لک ولا تبقی له» (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱)؛ یعنی خواست تو در کوشش ها و نیایش ها چیزی باشد که جمال آن بدون و بال برای تو بماند زیرا مال برای تو نمی ماند و تو نیز برای او نمی مانی، پس جمال انسان در همان معارف و فضائل خواهد بود چون در مطالب یاد شده فرقی بین زن و مرد نیست، زیرا محور همه آنها انسان است و خصوصیت ذکورت و انوخت در حقیقت انسان و ایمان و مانند آن تأثیری ندارد می توان از حدیث شریف علوی که فرمود: «عقول النّساء فی جمالهنّ وجمال الرّجال فی عقولهم»، معنای

دستوری فهمید نه معنای وصفی. یعنی منظور آن نباشد که حدیث شریف در صدد وصف دو صنف از انسان باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۴)

از همین روی می توان گفت، که یکی از حقوق واجب، حق برخورداری از ایمان و تقوا و حفظ آن و تکامل معنوی در عرصه باورها و رفتارها می باشد.

۲- اصل خانواده مداری

آنجا که به صراحت و در آیات متعدد پس از آفرینش زوج انسان و طرح مسأله ارتباط زوجین از ایجاد سکینه، آرامش، قرار، مودت و محبت یاد می کند. گویا اگر زوج انسان آفریده نمی شد آدمی مفهوم سکینه، آرامش و قرار را درک نمی کرد و شأن و مقام محبت تحقق پیدا نکرده و مجسم و متصور نمی شد. (و من آیته ان خلق لکم من انفسکم ازوجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون) (روم/۲۱)؛ و از نشانه های پروردگار آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی قرار داد تا در کنار او آرامش و سکینه پیدا کنید و بین شما مودت و رحمت به وجود آورد.

یکی از مهمترین اموری که منجر به پیش روی زن در مسیر سعادت و یا شقاوت او خواهد گشت؛ مسئله ازدواج می باشد که در راستای ازدواج دائم به حقوق معنوی خود خواهد رسید. در سفارشی از کلام امیرالمومنین (علیه السلام) که فرمودند: « تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِیجَ سَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ تَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِیجَ... » ازدواج کنید که ازدواج کردن سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. همانا رسول خدا بارها فرمود: هر کسی می خواهد از سنت من پیروی کند ازدواج نماید؛ زیرا ازدواج کردن از سنت من است. (حر عاملی، بی تا، کتاب نکاح، باب دوم، ص ۶ و ۸) «

۳- اصل تسکین و آرامش بخشی

هر چند در وجود هر انسانی، محبت به هم نوع خود و و ترحم قلبی به زیر دست خود، جزو نهاد او، آفریده شده، و نگه داشتن این دو خصلت، به انسانیت انسان برگشت می کند و به او کرامت می بخشد، اما در آیه شریفه ۲۱ سوره روم، اینگونه آمده که: از نشانه های لطف و عنایت الهی به بندگانش، اینست که از جنس شما، همسرانی قرار داد تا بوسیله آن ها، شما به سکینه و آرامش برسید و بین شما هم، مودت و محبت و رحمت برقرار کرد؛ البته این نوع مودت و رحمت، فراتر از چیزی است که در نهاد بشر، قرار داده شده، که انسان با همسر و زوجش، به آن می رسد، زیرا یک نوع آرامش و محبت و دوستی به ذات علقه زناشویی بر می گردد که زن

مایه ی آرامش مرد و مرد مایه ی آرامش زن است و بی قراری قبل از ازدواج با تحقق ازدواج برطرف و سپس قرار و آرامش جایگزین آن می شود؛ چنانچه محبت و دوستی با اصل علقه ی ازدواج بین زوج و زوجه فراهم می شود؛ چرا که ایشان زن را همچون گل بهاری می دانند) فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ فیض الاسلام، نامه ۳۱/ص ۹۳۹) و حقیقتاً نیم بیشتری از مسئولیت باقی گذاردن زن همچون گل بهاری در زندگی مشترک بر عهده همسر وی است؛ زیرا او شدیداً نیاز به محبت، رسیدی و همدلی ایشان است.

۴- اصل سازگاری

در کلام امیرالمومنین در سفارش به رعایت حقوق همسر به زوج او توصیه نمودند: «پرهیز از غیرت نشان دادن بی جا که درستکار را به بیمار دلی و پاکدامن را به بدگمانی رساند.» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۵۳۷) و در مقابل به ارائه راه حل بر تشویق حسن ظن فرمودند: «چون کسی به تو گمان نیک بُرد، خوشبینی او را تأکید کن» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، حکمت ۲۴۸، ص ۶۸۱) و تکیه بر حق تغافل می نمایند: «خود را به بی خبری نمایاندن؛ از بهترین کارهای بزرگواران است» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، حکمت ۲۲۳، ص ۶۷۷)

در عین حال اگر شوهر هنر مدیریت یا توان تدارک هزینه ها را نداشته باشد یا وظیفه اش را انجام ندهد و مایه ی ناسازگاری با زن در خانه شود، مرد «ناشز» است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۶-۳۰۷) عنصر محوری نشوز یا اعراض^۱ شوهر نسبت به زن به جهت مسائل زناشویی است؛ اما اگر ترک موقت بر اثر اشتغال به کارهای مهم سیاسی، نظامی و مانند آن باشد، هرگز نشوز یا اعراض نخواهد بود. (همان منبع، ص ۳۱۲)

در این مواقع زن می تواند به حاکم شرع رجوع کند. حاکم عادل مرد را موعظه یا به انجام دادن وظیفه وادار می کند و اگر زندگی تحمل ناپذیر گردد و زن تقاضای طلاق کند و مرد امتناع کند؛ حاکم شرع آن زن را طلاق می دهد؛ گرچه زن و شوهر وظیفه دارند با گذشت، اختلاف خود را حل کنند؛ زیرا قانون به تنهایی راهگشا نیست. در نشوز زن یا زن و شوهر، نیز رعایت اخلاق پسندیده است. (جوادی آملی، ج ۱۸، ص ۵۷۰؛ ج ۲۱، ص ۴۹-۶۴)

۵- اصل عدالت ورزی

از امام علی (علیه السلام) پرسیدند که کدام یک برتر است: عدالت، یا جود و بخشندگی؟ حضرت فرمودند: عدالت هر چیزی را به جای خود نهد و بخشش آن را از جایگاه خود خارج

^۱ «اعراض» ترک رابطه و سکوت شوهر بی حذف حقوق زن، مانند نفقه یا بدگویی و خسونت است.

سازد عدالت نگاهبان عمومی است و جود و بخشش مشکل گشای خصوصی. پس عدالت ارزشمندتر و برتر است. (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، حکمت ۴۲۹)

بر این اساس از جمله حقوقی که در فقه برای زوجه معین شده است و شاید بتوان اذعان داشت نمودی از عدالت ورزی است؛ حق قَسَم (حق قَسَم و مضاجعه و مانند آن، از حقوق متقابل زن و شوهر است؛ نه از احکام، از این رو ثبوت و سقوط آن ها با صلح طرفین ممکن است.) است، که به حق قسمت و شب خوابی معروف است. مضاجعه نیز به معنای همبستر شدن است که بر مرد واجب است که یک شب از چهار شب را نزد همسرش بیتوته کند. (جوادی آملی، بی تا، ج ۲۱، ص ۶۱) آنچه تحت عنوان قَسَم بر عهده مرد است؛ نزدیکی نیست بلکه داشتن بستر واحد (مضاجعت) است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۳، نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۴۸)

۶- اصل احسان ورزی در ارتباط با ارحام همسر

یکی از موارد رعایت حق معنوی زوجه این است که زوج مراتب صله رحم همسر با خویشانش را طبق اصل احسان فراهم آورد؛ زیرا سفارش به صله رحم و تأکید بر آن به وفور در کلام امام علی علیه السلام آشکار است: «لَنْ يُسْرِعَ أَحَدٌ قَبْلِي إِلَّا دَعْوَةٌ حَقٌّ وَ صَلَةٌ رَحِمٍ وَ عَائِدَةٌ كَرَمٍ فَاسْمَعُوا قَوْلِي وَ عَوُوا مَنْطِقِي عَسَى أَنْ تَرَوْا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِ مَا الْيَوْمَ تَنْضِي فِيهِ السُّيُوفُ». (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، ص ۶۹، ترجمه خطبه ۱۳۹) «هیچ کس پیش از من در پذیرش دعوت حق شتاب نداشت و چون من کسی در صله رحم و بخشش فراوان تلاش نکرده پس به سخن من گوش فرا دهید و منطق مرا دریابید». همچنین فرمودند: «کسی را که از نزدیکیانش واگزارند بیگانه او را پذیرا می شود» (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، ص ۷۰۳، ترجمه حکمت ۳۰۸).

حضرت امام علی علیه السلام فرمودند: «خَيْرَ سَأَةِ النَّعَمِ فِي صَلَةِ الرَّحِمِ» (دزفولی، ۱۳۷۰، ص ۶۶) «نگهبانی نعمت‌ها پیوند با خویشان است؛ مراد این است که ایشان احسان به خویشان می نمود. (شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

در شکایت حضرت علی (علیه السلام) از عدم رعایت صله رحم اینگونه آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَعْدَيْكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَ مَنْ أَعَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ قَطَعُوا رَحِمِي، وَ صَغَرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي، وَ أَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي أَمْرًا هَوْلِي». (نهج البلاغه: ص ۳۲۷، ترجمه خطبه ۱۷۲)؛ «بار خدایا از قریش و از تمامی آن‌ها که یاریشان کردم به پیشگاه تو شکایت می کنم زیرا قریش پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند و در غضب حق من با هم، هم‌داستان شدند».

«و اکرم عشرتک، فَأَنْهَمُ جَنَاحَکَ الَّذِیْ بِهِ تَطِيرُ، وَ اصْلَکَ الَّذِیْ إِلَیْهِ تَصِيرُ، وَ یدکَ الَّتِیْ بِهَا تَصُولُ». (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۹، ترجمه نامه ۳۱) «خویشاوندانت را گرامی بدار زیرا آنها پر و بال تو هستند که با آنها پرواز می کنی و ریشه تو هستند که به آنها باز می گردی و دست نیرومند تو می باشند که به آن حمله می کنی».

ارتباط مزبور تا آن جاست که حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کیفیت آن فرمودند: «صَلُّوا اِرْحَامَکُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ»؛ «رحمها را گرچه به یک سلام باشد پیوند کنید». (مجلسی، ج ۷۱، ص ۱-۴)

۷- اصل نهی از رنج و تعب زوجه

در سفارش امیرالمومنین در نهج البلاغه به فرزندشان آمده است که: «و لَا تُمَلِّکُ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَازَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِیْحَانَةٌ وَ کَیْسَتٌ بِقَهْرْمَانَةٍ» (فیض الاسلام، نامه ۳۱/ص ۹۳۹) کاری را که در توانمندی زن نیست بر او تحمیل مکن، زنان چون گل بهاری هستند نه پهلوان سخت کوش و پرتوان؛ بر این اساس اسلام کارهای دشوار را از عهده ی زنان خارج کرده و در مقابل کارهای کلیدی تری را چون تربیت و تعلیم، تأمین سکونت و امنیت خانواده را به او واگذار کرده است تا در رسالت مربی گری، مادری و همسری به خوبی نقش خود را ایفا نماید و در ادامه وصیت خود به امام حسن می فرماید:

« وَ لَا تُعَدُّ بِکَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمَعُهَا فِی أَنْ تَشْفَعَ لِعَیْبِهَا وَ اِیَاکَ وَ التَّغَايِرَ فِی غَیْرِ مَوْضِعٍ غَیْرَهُ، فَإِنَّ ذَکَ یَدْعُو الصَّحِیْحَةَ إِلَى السُّقْمِ وَ الرِّیْئَةَ إِلَى الرَّیْبِ»؛ « مبادا بیش از حد به او لطف و مرحمت داشته باشی و مبادا او را به طمع اندازی»

همچنین نهی می نمودند از زدن زن که او را به رنج و آزار می گذارد؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره ی مردانی که زن ها را به معنای واقعی می زدند؛ فرمود: «أُیَضْرَبُ أَحَدُکُمْ إِمْرَأَتَهُ بَیْدَةً ثُمَّ یَزِلُّ یَعَانِقُهَا بِهَا» تعجب می کنم از مردمی که زنان را با دست خودشان می زنند و با همان دست ها با او معانقه می کنند؛ یعنی این دست را خداوند برای معانقه با زن آفریده نه برای کتک او (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱)

همچنین یک عده ای از زنان شکایت بردند از شوهرانشان به خدمت رسول الله که ما را کتک می زنند؛ رسول اکرم فریاد زدند: «آن هایی که چنین می کنند خوبان شما نیستند. لذا عاطفه داشتن مرد به زن اصل مهم است.» (شماره ۱۱۶۰، مجله زن روز، اسفند ۱۳۶۶، به نقل از مطالب منتشر نشده استاد مطهری)

۸- اصل تفکیک جنسیتی نقش ها

حضرت همیشه در سفارش مردان به زنان می فرمودند: «إِنَّهُنَّ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَكُمْ فَلَا تَضَارُّوهِنَّ وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ؛ زنان امانت خدا بر شما هستند به ایشان زیان نرسانید و برایشان سخت نگیرید.» (فیض الاسلام/خطبه ۱۹۳)

امام علیه السلام دو جمله را از آیات ۶ سوره طلاق و ۲۳۲ سوره بقره و ۱۹ سوره نساء اقتباس فرموده است. به همین جهت است که یکی از نشانه های بارز تفکیک جنسیتی نقش ها در سیره امام علی (علیه السلام) هویدا بود، آنجا که امام صادق علیه السلام فرمود: «كان امير المؤمنين عليه السلام يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْسِنُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَطْحَنُ وَ تَخْبِزُ.» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۱۵۱)؛ «امیرالمؤمنان علی علیه السلام هیزم فراهم می کرد و خانه را جارو می نمود و آب می کشید و فاطمه علیها السلام گندم و جو را با آسیای دستی آرد می کرد، سپس خمیر می نمود و نان می پخت».

به روایتی دیگر آمده، که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه فاطمه علیها السلام آمد و دید حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام با هم مشغول آسیا کردن «گاورس» می باشند. فرمود: کدامیک از شما خسته تر هستید؟ علی علیه السلام عرض کرد: فاطمه از من خسته تر است. پیامبر صلی الله علیه و آله به جای فاطمه علیها السلام نشست و به علی علیه السلام در آسیا کردن کمک کرد. (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۵۰-۵۱) مولا علی علیه السلام می فرماید: «بیش از توان و قدرت زن از او کار نکشید و انتظار نداشته باشید، به درستی که زن مثل گل ریحان است، نه پهلوان.» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲) وجود فاطمه علیها السلام، شادی آفرین کلبه ای امام علی علیه السلام بود و یک نگاه علی علیه السلام به قامت فاطمه علیها السلام، غم ها و اندوه های علی علیه السلام را می زدود. (شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۵) زیرا

۹- اصل شفقت و پرستاری از همسر

فاطمه الزهرا علیه السلام پس از ماجرای فدک و مبارزاتی که در باز گرداندن فدک و احقاق حق خود کرد و به ثمر نرسید بیمار شد، و در بستر افتاد. با شدت بیماری فاطمه، غم و اندوه او نیز شدت یافت و گریه اش برای از دست دادن پدر و مصیبت های دیگر زیاد شد و بستر بیماری برای او مبدل به جایگاه اشک و آه گردید. (رسول محلاتی، ص ۲۱۳) علی علیه السلام در هنگام بیماری همسرش، مانند پرستاری دلسوز، از او مراقبت می نمود و همواره شفیق و یاور ایشان بود.

۱۰- اصل تأمین شادابی روح همسر

تمام طبقات مردم دارای احساس طبیعی هستند و پاره‌ای از صفات در مرد می‌تواند با احترام نسبت به همسر خود، شادابی روح زن خود را تأمین کند و از افسردگی و پژمردگی روحی او در محیط خانواده، جلوگیری نماید، تا او بتواند سرمایه‌های فطری و درونی خود را به بهترین صورت به کار گیرد و فرزندان نیکو را به جامعه ارائه دهد.

یکی از اصول مهم در زندگی مولای متقیان، حضرت علی علیه‌السلام، علاوه بر آراستگی باطن و روح و روان، ظاهری زیبا و پاکیزه داشت و به طور جدی به عنوان یک سنت اصیل، آراستگی ظاهر خود را رعایت می‌نمود. به عنوان نمونه: مسواک زدن دندان؛ رنگ مو؛ معطر بودن؛ شانه زدن موی سر و صورت؛ کوتاه کردن سبیل و گذاشتن ریش و... (احمد شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۷۸)

قرآن زن و شوهر را سفارش کرده که خود را برای یکدیگر بیاریند و ظاهر خود را جذاب و دوست‌داشتنی نمایند. قابل ذکر است که تمایل آدمی به زیبایی و جمال، یکی از خواش‌های فطری بشری و احساس لذت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته شده است. همان منبع، ص ۷۹)

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اغسلوا ثيابکم و خذوا من شعورکم و استاکوا و تزینوا و تنظفوا فان بنی اسرائیل لم یکنوا یفعلون ذلک فزنت نساؤهم». (پابنده، ۱۳۶۳، ص ۷۲، شماره ۳۷۷) «لباس‌های خود را تمیز کنید، موهای خود را کم کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید. زیرا یهودیان چنین نکردند و زنان‌شان زناکار شدند».

۱۱- اصل عفو و صلح

سیره‌ی امامان در مورد اشتباه و خطای رفتاری همسران خود، آن بود که خطای همسران خود را نادیده می‌گرفتند. پیامبر اسلام در مورد ترحم به زنان، در مورد لغزش‌هایشان به مردان می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ النِّسَاءِ وَ الْيَتِيمِ». (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴)؛ «تقوی پیشه کنید در مورد دو گروه یکی زنان و دیگری افراد یتیم».

پیامبر صلی الله علیه و آله حتی در مورد زنانی که اخلاق ناپسند دارند، برای مردان تحمل و صبر را توصیه نمودند: «أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَيَّ خَلَقَ امْرَأَةً سَيِّئَةَ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرِ إعطاء الله ثواب الشاکرین».

«آگاه باشید! هر کسی اخلاق زنی بد اخلاق را به امید دستیابی به اجر و پاداش الهی تحمل کند، خداوند ثوابت شکرگزاران را به وی عنایت فرماید».

از همین روی در هنگام بروز کشمکش و اختلاف، رعایت اصل صلح و برقراری صفا و دوستی با طبع انسان سازگارتر و نسبت به دوام و خانواده اولی تر است.

حقوق متقابلی را که اسلام برای زوجین جهت اصلاح ساختار خانواده تعیین نموده، جنبه «حق» دارد نه «حکم»؛ بنابراین طرفین می توانند در موارد اختلاف بر حسب موقعیت به وجود آمده از بعضی حقوق خود چشم پوشی کنند و در مصالحه بین خود، عوض صلح را «اسقاط حق» قرار دهند و یا یکی به نفع دیگری در این مصالحه عمل نماید. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۵)

بر این اساس زن علاوه بر حقوق مادی، یکسری حقوق معنوی دارد که بعد از استیفای آن، مراتب بالای سکینه و دوستی و مودت را بین زوجین برقرار میکند؛ مثلاً حق گذشت از خطای غیر عمد و سهوی همسر از ناحیه زوج خود، با گذشت مرد از عدم استیفای حقوق مادی خود در ایام عذر زن یا بارداری و یا بچه داری و مانند آن که این گذشت ها باعث استحکام بیشتر پایه های زندگی می شود و قطعاً این استحکام از ناحیه آرامش بدون استرس همسر و به تبع مودت و دوستی بیشتر، نشأت می گیرد، که البته اگر رحمت و ترحم و گذشت شوهر نسبت به حقوق خود و یا خطاهای غیر عمد، نثار همسر خود شد، این ترحم و گذشت، مایه دوستی عمیق تر، و باعث آرامش و سکینه کامل تر و منجر به استحکام زندگی، و در نتیجه منتهی به پویایی معنوی و رشد خانواده خواهد شد.

۱۲- اصل توجه به خواست همسر

قبل از شدت بیماری، که حضرت زهرا می توانست از خانه بیرون برود، گاهی بر مزار شهدای «احد» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۱۹۵) می رفت و در آن جا عقده های درونی دل را به صورت اشک و آه خارج می نمود و گاهی بر سر تربت پدر می رفت و با او درد دل می کرد. امام بعد از شدت بیماری، دیگر نمی توانست از جای برخیزد و با دیدن فرزندان پیغمبر، داغ تازه ای در دل او پیدا می شد. (محلّاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹)

در حدیثی از علی علیه السلام روایت شده که: «من بدن مطهر پیغمبر را در همان پیراهنی که در تن داشت، غسل دادم و فاطمه (علیها السلام) گاهی از من آن پیراهن را طلب می کرد، و چون آن را می گرفت، می بویید و از حال می رفت. من که چنان دیدم پیراهن را پنهان کردم».

(مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۳، ص ۱۵۷)

و از کتاب دلایل طبری از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «فاطمه وصیت کرد که از مال خودش به زنان پیغمبر و زنان بنی هاشم به هر کدام دوازده وقیه بدهند و به امامه (دختر ابی العاص) خواهر زاده فاطمه علیها السلام (نیز همین مقدار را بدهند)». (محللاتی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹) و در حدیثی که از زید بن علی علیه السلام روایت شده فرمود: «فاطمه علیها السلام مال خود را به بنی هاشم و فرزندان عبدالمطلب بخشید و علی (علیه السلام) این کار را کرد و به دیگران نیز داد». (همان منبع)

امام صادق علیه السلام درباره‌ی توجه به خواست همسر و موافقت با آن فرمود:
 «لَا عَنِّي بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ الْمَوْافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مَوْافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا وَ حُسْنَ خُلُقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسَعَهُ عَلَيْهَا»
 همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «مرد در زندگی زناشویی از سه چیز ناگزیر است:

(۱) موافقت با همسر برای جلب توافق و محبت و علاقه او؛

(۲) جلب توجه او با آراستگی ظاهر و گشاده‌دستی؛

(۳) اخلاق نیکو». (بنشاسته، ۱۳۸۱، ص ۴۱)

۱۳- اصل تکریم (حمایت معنوی از زوجه)

در قرآن کریم، خداوند آیات فراوانی را در مورد احترام همسران نسبت به یکدیگر اشاره کرده است که از جمله این آیات می‌توان به آیه ۱۹ سوره نساء اشاره کرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَابُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»

«با همسران خوشرفتاری کنید، حتی اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل ندارید و بر اثر اموری، اگر آن‌ها به شما خوشایند نباشند، فوراً تصمیم به بد رفتاری یا جدایی نگیرید. ممکن است که شما در تشخیص خود اشتباه کنید. پس با آن مدارا نمایید، چه بسا آن‌چه را شما نمی‌پسندید، خداوند در آن‌ها سود و برکت فراوان قرار داده باشد».

حق برخورداری از تکریم و مسئولیت رعایت آن برای زوج نمونه ای است که در تاریخ آمده است: رسول خدا روز بعد از عروسی امیرمؤمنان، علی علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام، نزد آن‌ها رفت و تبریک گفت. سپس به علی علیه السلام فرمود: همسرت را چگونه یافتی؟ علی علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«نَعَمْ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۱۳هـ، ج ۴۳، ص ۱۱۷) «همسرم بهترین کمک من در راه اطاعت از خداست».

و از فاطمه علیها السلام نیز همین سؤال را کرد. حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «شوهرم را بهترین شوهر یافتم». (همان منبع)

رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَهُ فليكرمها». (دزفولی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۳)

«هر مردی که برای خود همسری اختیار کرد، باید در احترام نمودن و گرامی داشتن او بکوشد».

و همچنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يوصيكم بالنساء خيراً فَإِنَّهُنَّ امهاتكم و خالاتكم». (پاینده، ۱۳۶۳، شماره ۷۷۹، ص ۱۵۹) «خداوند شما را درباره‌ی زنان به نیکی سفارش می‌کند. زیرا زنها، مادران و دختران خاله‌های شما هستند».

یکی از موارد شبهه برانگیز در نهج البلاغه درباره زنان؛ در اواخر نامه ۳۱ نهج البلاغه امام (علیه السلام) در ارتباط با مشورت با زنان می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ» به این معنا که از مشورت با زنان بپرهیز؛ زیرا رأی آنان سست و عزمشان بی پایه است؛ در حالی که در شرح مغنی با بررسی سبب صدور روایت به صراحت اذعان می‌نماید که: مشورت کردن چه با زن و یا مرد در صورت برخورداری از شرایط نیکو بدون مانع است و نهی پیامبر (یا امام) از مشورت با زنان به شرایط تاریخی آن دوره باز می‌گردد که بیشتر زنان از دانش و تجربه کافی برخوردار نبودند. از اینرو زنان و مردان از جهت مسئولیت در یک درجه اند و تنها محیط است که یکی را بر دیگری برتری می‌بخشد. (مغنی، ۱۳۸۷ش، ج ۵، نامه ۳۱، ص ۲۷۱)

پس می‌توان نسبت به جایگاه ارزشمند زنان با بصیرت و اندیشمند به کرامت برخورد نمود و راه مشورت با آنان را پیش گرفت و چه بسا مردانی که بر اثر شرایط محیطی با غفلت از اندیشیدن و سبک سری و سفاهت راه مشورت با خود را مسدود نموده اند.

۱۴- اصل رعایت مرزها

حضرت علی علیه السلام در حدیثی نقل کردند: «به خدا سوگند تا فاطمه زنده بود، کاری نکردم که او را به خشم درآورد و بر هیچ کاری او را مجبور ننمودم و او نیز هیچ گاه مرا به خشم نیاورد و در هیچ کاری نافرمانی مرا نکرد و به راستی هر وقت به او نظر کردم، غم و اندوه‌هایم برطرف شد». (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵، ص ۷۰)

در جایی دیگر فرمودند: «و أَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهِنَّ يُحْسِنَنَّ الْفِعَالَ». (حر عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۲۹)

«با زنان خویش خوش گفتار و نرم زبان باشید، آنان نیز کردار خویش را خوب و زیبا نمایند».

۱۵- اصل حُسن خُلُق

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلَطْفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الطَّفِكُمْ بِأَهْلِي». (حر عاملی، بی تا، ج ۱۸، ص ۵۰۷)

«بهترین مردم، خوش اخلاق‌ترین و مهربان‌ترین آن‌ها نسبت به خانواده خویش است، و من مهربان‌ترین شما نسبت به خانواده‌ام هستم».

و در تکمیل فرمایش ایشان در باب ارزش حُسن خُلُق همین کافی است که فرمودند: «خوش خلقی برای فراوانی نعمت‌ها کافی است». (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش، حکمت ۲۲۹، ص ۶۷۷) و تند خوئی بی مورد نوعی دیوانگی است؛ زیرا تندخو پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است. (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش، حکمت ۲۵۵، ص ۶۸۳)

از اینرو نباید ملاحظت و مهربانی زوج با دیگران باشد و خشونت و سختگیری او مخصوص با همسرش باشد. در این زمینه در روایت آمده است: «و نباید خانواده تو تیره روزترین مردم نسبت به تو باشند» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۷۶، ص ۳۶۶)؛ رعایت معاشرت پسندیده کمترین کاری است که برای استمرار محبت و دوستی در میان همسران لازم است.

۱۶- اصل تعاون

خدمت شوهر به زن و زن به شوهر، از عبادات بسیار مهم و دارای پاداش‌های بسیار است علاوه بر آن، لازم است که زن و شوهر کارهای خانه و بیرون خانه را تقسیم کنند، و گاهی در موارد لازم همدیگر را کمک کنند، ولی کار اصلی هر کدام باید مشخص باشد.

حضرت زهرا علیها سلام وقتی به خانه‌ی شوهرش امام علی علیه السلام رفت، در مورد تقسیم کار سخن به میان آوردند، سپس به سوی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند تا آن حضرت بین آن‌ها داوری کند و هر کدام را برای کارهای لازم موظف نماید. (شرفخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله چنین قضاوت کرد که کارهای داخل خانه را حضرت زهرا علیها السلام به عهده گیرد و کارهای بیرون خانه، به عهدهی حضرت علی علیه السلام باشد. (همان منبع)

هر دو به این قضاوت خشنود شدند، و امام ناگفته نماند که گاهی به خاطر مهمان یا امور دیگر، کارهای داخل خانه زیاد می شد، حضرت علی علیه السلام به حضرت زهرا علیها السلام کمک می نمودند.

۱۷- اصل ابراز محبت

روابط عاطفی در خانواده ی حضرت علی (علیه السلام) بسیار عمیق بود؛ به گونه ای که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عشق و محبت خود به علی (علیه السلام) را به سلمان ابراز می دارد و همچنین متقابلاً حضرت نیز عش خود را به فاطمه (سلام الله علیها) ابراز می نمودند تا جایی که در شهادت ایشان نیز آرام نبودند و می فرمودند: «صبرم کم شده و توان خویشنداری برابم نمانده؛ کار همیشگی ام اندوه و شب بیداری است تا آنکه در آخرت با تو باشم.» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۰۲)

در طول زندگی، گفتگوی عاطفی و شوخی بین این دو همسر جریان داشت و تفریح و سرگرمی بخشی از زندگی ایشان بود. (نیلی پور، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷-۱۸۹)

در مورد مهر محبت امام علی علیه السلام باید این امر متذکر شد که در مورد خوشرویی و تبسم شیرینی که مدام بر چهره امام علی علیه السلام نقش می بست عمر می گوید: «درود بر پدرت ابوطالب؛ به راستی که اگر نه این که شوخ طبع و بسیار خوشرو هستی؛ زینده ترین کس برای خلافت و رهبری بودی!» (قزوینی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۷)

این سخن آنچنان غرض آمیز و آلوده به هوس های انسانی عمر است که باید گفت امام علی علیه السلام در توصیه ای به امام حسن علیه السلام می فرماید: «ایاک أن تذكر الکلام ما یکون مضحکا و إن حکیت ذلک عن غیرک».

«از نقل سخنان خنده دار پرهیز کن؛ گرچه از دیگران نقل کنی.» (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۱۰۲۳)

۱۷- حُسن معاشرت بر پایه ی اصل مودت و رحمت

زوج برای تسکین و آرامش بخشی زوجه ی خود، به رفتار معروف بر پایه ی اصل مودت و رحمت توصیه شده و از تخلف از حسن معاشرت و رفتار غیر معروف که به نوعی

نشوز و عصیان محسوب گشته؛ نهی شده است. چنانکه در آیه قرآن اشاره داشته که نشوز فقط برای زن نیست و قبل از اینکه برخوردهای سرد و بی روح و تخلفات زوج کیان خانواده را به خطر افکند؛ هر یک از زوجین باید در صدد اصلاح ساختار خانواده برآیند و جلوی از هم پاشیدن و گسستن آن را بگیرند.

بر این اساس هم در آیه ۱۲۸ سوره نساء مربوط به نشوز مرد و هم نشوز زن لفظ «خوف» آمده است و می فرماید: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» زنانی را که خوف نشوز و عصیان بر آنان می برید و یا می فرماید: «وإن امرأه خافت من بعلها نشوزاً...» اشاره به اینکه به محض احساس دلسردی و تخلف از سوی زن یا مرد نسبت به دیگری، باید در صدد علاج برآمد و قبل از تشدید به اصلاح آن پرداخت و گاه نافرمانی و عدم رعایت حقوق زن از سوی مرد موجب بروز مشکل در روابط خانواده می شود و گاهی اعراض و بی اعتنائی نسبت به رسالتی که در برقراری مودت و رحمت و مصاحبت و مجالست همسر و یا به عنوان پدر خانواده دارد؛ موجب اختلال در نظام خانواده می شود که هر دو مورد را آیه نظر دارد و در صدد اصلاح و صلح بر می آید. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۴-۸۵)

قرآن به مرد دستور خوش رفتاری نسبت به زن را داده و می گوید: «او همسر و شریک زندگی توست نه یک زیردست ذلیل که هر چه و هر گونه خواستی با او رفتار نمایی...» قرآن کریم نسبت به زن و شوهر نیز که محور خانواده هستند امر به وصل کرده است: وعاشروهن بالمعروف (سوره نساء / ۱۹). پس کسی که در خانه با همسر خود رفتار متعارف نداشته باشد، قطع (ما أمر الله به أن یوصل) کرده است و همین طور حقوق مشترکی برای طرفین قرار داده است: (ولهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف وللرجال علیهنّ درجۀ) (سوره بقره / ۲۲۸) که رعایت نکردن هر یک از آنها موجب قطع (ما أمر الله به أن یوصل) است؛ زیرا اصل تشکیل خانواده و تحکیم آن به امر خدای سبحان است. (تسنیم، جلد ۲ صفحه ۵۶۱)

همچنین حضرت علی (علیه السلام) به صورت کلی فرمودند: «و لا تهیجوا النساء بأذی و إن شتمن أعراضکم...»

زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هرچند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند... زیرا آنان کم توان اند. (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ص ۴۹۵، نامه ۱۴)

برخی از افراد وقتی می‌خواهند همسر خود را طلاق دهند، چنان بر او سخت می‌گیرند تا زن مستأصل و بیچاره شده از مهریه‌ی خود صرف نظر کند، آنگاه مرد او را طلاق دهد، این عمل از دیدگاه قرآن ممنوع و مورد نهی حضرت حق قرار گرفته است. لذا در آیه زیر آمده است:

«وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضٍ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ» (نساء / بخشی از آیه‌ی ۱۹)

«نسبت به زنان سختگیری و بهانه‌جویی نکنید تا قسمتی از آنچه مهر آنها بوده، باز پس دهند...» زیرا یکی از حقوق معنوی زن، حق مواقعه (حلی، ۱۴۱۳ه، ج ۳، ص ۵۰؛ همو، ۱۴۱۰ه، ج ۲، ص ۶۰۶) و حسن معاشرت با زوجه است. یکی از وظایف مشترک زوجین که در دستورات اسلامی بدان تأکید فراوان شده است، حسن معاشرت است. خداوند متعال امر به معاشرت به معروف نموده است: «و عاشروهن بالمعروف» (نساء/۱۹)؛ در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی ایران نیز مقرر گردیده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند».

ضمانت اجرایی این حق طبق ماده ۱۱۳۰ ق.م این بود که در سه صورت به زن اجازه می‌داد از دادگاه درخواست طلاق کند:

«۱- در مواردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفاء ممکن نباشد. ۲- سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی زن را با او غیر قابل تحمل سازد. ۳- حقوقدانان معتقدند که عبارت «سایر حقوق واجبه زن» کنایه از نزدیکی جنسی و زناشویی بوده است که شوهر باید آنگونه که طبیعت و وضعیت مزاجی او و زن اقتضا می‌کند؛ وظایفش را انجام دهد.»

طبق اصلاحی که در تاریخ ۸۱/۴/۲۹ در این ماده صورت گرفت، این سه بند حذف شد. در حالی که این می‌تواند یکی از مصادیق حقوق معنوی زن به نام عسر و حرج باشد و بر طبق ماده ۱۳۰ ق. م موجب حق طلاق برای زوجه گردد. (دیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۸)

۱۸- اصل ریاست زوج (مدیریت) و رعایت مصلحت جمعی

از آن جهت که خانواده حریم امن انسان‌ها و محل ارتباط خاص نسبی و عاطفی و اخلاقی و تربیتی افراد با یکدیگر و جایگاه رشد فضایل و کمالات انسانی است، ریاست‌پذیری آن از اهمیت و ظرافت خاص خود برخوردار است و بنیانگذار و رئیس آن نقش عمده و کلیدی بر عهده دارد.

ممکن است این تصور شود که اگر امور خانواده، در مدیریت و ریاست؛ به طور مشترک اداره شود عادلانه و مطلوب تر است. لیکن تجربه در عمل توفیق نداشته؛ زیرا زندگی در یک نظام اجتماعی محدودیت های خاصی برای افراد ایجاد می کند که انسان ها لازم است از آزادی مطلق خویش چشم پوشی کنند و در رجحان مصالح اجتماعی از خود محوری و خود نگری های غیر معقول درگذرند. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵)

چرا که رویکرد متعالی بر مسأله جلوگیری از هرج و مرج عنایتی خاص دارد؛ چنانچه علی (علیه السلام) می فرماید: «مردم ناگزیرند از داشتن امیری؛ خواه نیک یا بد.» (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، خطبه ۴۰)

از نظر اسلام همیشه رعایت منافع و مصالح عامه و تحقق عدالت در یک مجموعه نسبت به منافع و مصالح شخصی از اولویتی بسزا برخوردار است و خودمحوری های غیر منطقی را در حیطه ریاست شدیداً نفی می نماید. لیکن امروز ریاست مرد به انجام یک وظیفه اجتماعی و پذیرش مسئولیتی سنگین شبیه تر است تا به اجرای خواسته های شخصی و حقی فردی و این همان چیزی است که در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ص ۱۴۵-۱۴۶)

منشأ بسیاری از مصائب و مشکلات بشر، بخل ورزی و منفعت طلبی های فردی است، براین اساس اسلام در مسایل اجتماعی اعم از خانواده و یا جامعه، اولویت را به مصالح عامه می دهد و در تراحم بین منفعت شخص، با مصالح خانواده و یا اجتماع، بر رعایت مصلحت جمعی تأکید فراوان دارد نه اینکه فقط رعایت منافع مرد به تنهایی شود و یا برعکس. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۵)

۱۹- اصل احسان و گرایش به تقوی

رعایت احسان و گرایش به تقوی برای حفظ ارکان خانواده و استحکام آن و پرهیز از بی عدالتی و خود محوری از عمده ترین اصولی است که در زندگی زناشویی بایستی مورد توجه طرفین قرار گیرد. اگرچه مفسرین مخاطب آیه را مردان قلمداد کرده اند. (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۸۶)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: «و إن تُحَسِّنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ «این موعظه ای است برای مردان که از راه احسان و تقوی پا فراتر نگذارند و در معاشرت ظلم نکنند و متذکر می شود که خداوند از هر کاری که می کنند، با خبر است و اگرچه زنان می توانند (در

صلح) از حق خود بگذرند ولی مردها نباید ایشان را مجبور کنند که آنان حقوق خود را لغو نمایند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۹-۱۶۰)

بر این اساس نامگذاری چنین پیمانی به میثاق غلیظ (سوره نساء/۲۱) از آن جهت است که شوهر در حال عقد، پیمان می سپرد که همسرش را در صورت توافق اخلاقی، به گونه ای شایسته نگه دارد و در فرض عدم توافق، به نیکویی رها کند: «فَامْسَاكٌ بِمَعْرُفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (سوره بقره/۲۲۹)؛ یا باید زن را به خوبی نگه داشت؛ یا به شایستگی آزاد کرد.

۲۰- احترام به همسر

زوجین می توانند با رفتار صحیح و عاقلانه خود، اساس زندگی سعادت‌مندان‌ای را پایه‌گذاری کنند و از اعمالی که به سعادت آنان لطمه می‌زند، اجتناب نمایند. گاهی کارهای کوچک و کم اهمیت سبب افزایش مهر و محبت می‌شود و به همان نسبت گاهی کارهای ناچیز موجب تفرقه و جدایی می‌گردد. (دزفولی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۲)

تعبیر زیبای علی علیه‌السلام از زن - گل بهاری و ریحانه - نشان توجه و مهر و محبت ایشان به خانواده است. فاتح خیبر و شیرمرد دلیر اسلام با دست‌هایی پینه بسته از رنج و زخمه‌ی کار روزمره؛ در خانه همسری فداکار و مهربان و پدری با شفقت و رئوف است. که اگر غریبه‌ای او را در خانه بیند اصلاً و ابداً به ذهنش هم خطور نخواهد کرد که او جانشین نبی و حاکم حکومت اسلامی است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ». (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۱۱۹۴). «هیچ کس امری را پنهان نکرد؛ مگر این‌که آن امر در لغزش سخن و بر صفحه رخسارش آشکار گشت». (دستی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، ص ۱۱۹۴).

همچنین در جریان کسالتی که برای بانوی مکرم اسلام حضرت زهرا علیها‌السلام پیش آمده بود، امام سر همسر خویش را در دامن گرفتند، از او پرسیدند: کاری هست که برای بانویم انجام دهم. آن حضرت شرم داشتند که ابراز کنند ولی به اصرار مولا بیان کردند: اگر اناری داشتیم بسیار میل داشتیم که تناول کنم. علی علیه‌السلام درنگ نکردند، با آن‌که فصل انار نبود؛ از خانه خارج شدند و سراسر شهر را به دنبال انار زیر پا گذاشتند. به آن حضرت گفتند شمعون باری انار از شام آورده و می‌فروشد. امام به درب منزل شمعون رفتند و پاسخ شنیدند، مولا نمی‌دانستیم شما هم انار می‌خواهید و گرنه برای شما نگه می‌داشتیم؛ شرم‌منده. امام که از نهران آگاه بودند اصرار ورزیدند که ناگاه صدا برآمد؛ شمعون یک انار اضافی در خانه داریم امام گرفتند و برگشتند.

در راه فقیری را دیدند که تقاضای قوت داشت. امام انار را بخشیدند. با عرق پیشانی وارد منزل شدند و اینگونه حق احترام به همسر خویش را روا نمودند.

۲۱- اصل عمل به وصیت زوجه توسط زوج

یکی از حقوقی که بر مردان واجب است، مراعات نمودن آنچه که زوجه بر آنان وصیت می نمایند؛ چنانکه حضرت علی (علیه السلام) به وصیت‌هایی که حضرت فاطمه (علیها السلام) در روزهای آخر عمر شریف خود می‌کرد، عمل می‌نمود. (مجلات، ۱۳۷۵، ص ۲۲۵)

قسمتی از وصیت‌نامه‌های آن بانوی بزرگوار اسلام به حضرت علی (علیه السلام) این است: «خدایت تو را پاداش دهد، ای پسر عموی رسول خدا: نخستین وصیت من آن است که پس از من «آمامه»، دختر خواهرم را به ازدواج خویش درآوری، چون او نسبت به فرزندان من، همانند خودم مهربان است و مردان نیز ناچارند، همسری از زنان داشته باشند؛ (همان منبع) «وصیت دیگر من آن است که، احدی از این مردم، که به من ستم کرده‌اند و حق مرا گرفتند، در تشییع جنازه‌ی من و دیگر مراسم آن حاضر نشوند. زیرا اینان دشمن من و دشمن رسول خدا هستند و مبادا بگذاری یکی از آنها و یا پیروان آنها بر جنازه‌ام نماز بگذارند. مرا شب هنگام در آن وقتی که دیده‌ها همگی خواب رفته‌اند، دفن کن و حضرت علی نیز چنین کردند». (علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۹۱)

در نقلی که از مجالس مفید و امالی شیخ رحمه الله علیهما آمده، در حدیثی از امام حسین روایت شده که چون فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار شد، به علی (علیه السلام) وصیت کرد که وضع حال او را پنهان دارد و حتی از بیماری او کسی را با خبر نکند و علی (علیه السلام) این کار را کرد و خود ایشان شخصاً پرستاری فاطمه (علیها السلام) را به عهده گرفتند. (مجلات، ۱۳۷۵، ص ۲۲۷)

و چون هنگام وفات او شد، به علی (علیه السلام) وصیت کرد که کارهای پس از مرگ او را خود انجام دهد و شبانه او را دفن کند و جای قبر او را نیز پنهان کند، که اثری از قبر او معلوم نباشد. (همان منبع)

۲۲- اصل ساده زیستی

حیات ظاهری به منزله حکمت است که قلب حکیم را زنده می‌دارد؛ علی (علیه السلام) جان آگاه را زنده می‌داند و حیات ظاهری را به حیات معنوی تنظیم می‌کند و برای آنکه ثابت کند عده‌ای مرده‌اند می‌فرماید: اینان به موت جسدشان خیلی اعتنا دارند اما به مرگ قلب

خود بی توجه هستند در حالی که مرگ دل مهمتر از مرگ بدن است، دلی که بمیرد از سعادت ابد محروم است ولی اگر جسم بمیرد و حیات ظاهری را رها کند، چنانکه باید رها کند، هرگز ناکامی در بین نیست زیرا از عالمی به عالم دیگر منتقل می‌شود.

بعضی از افراد قلبشان مرده است و توجهی به مرگ قلب خود ندارند! آنچه که انسان را می‌میراند و حیات دل را از وی می‌گیرد دلبستگی به دنیا است که آدمی خود را چون بردگان بفروشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴)

امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: مردم در دنیا دو دسته‌اند: بخشی خود را به دنیا فروخته و برده آن شده‌اند و دسته‌ای دنیا را خریده و از آن آزاد گشته‌اند، دنیا در اختیار آنهاست نه آنها در اختیار دنیا (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۳۳، بند ۷)

۲۳- اصل امر به معروف

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: ... حال که با بر شمردن زشتی‌های دنیا روح را از بند هر شهوت و قید هر کینه رهایی دادی و انسان آزاده و آزاد اندیش شدی این نظارت الهی و ملی را به نام امر به معروف و نهی از منکر نیز احیا کن، دست دیگری را هم بگیر تنها به فکر خود مباش و به تنهایی راه را ادامه نده بلکه همراهی هم پیدا کن. (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱، بند ۱۵)

اهل چیزی باش که خدا آن را به رسمیت می‌شناسد و آن «معروف» است؛ دیگران را نیز بر آن دار تا اهل معروف باشند و آن را اجرا کنند. تبه‌کاری‌ها و زشتی‌ها که خدا، انبیا، جان سالم و عقل بیدار آنها را نمی‌پسندد و آن‌ها را نمی‌شناسد «منکر» و نا شناس است تو هم آن را نشناس و اهل آن نباش. چون دین، آن را بیگانه دانسته است، با دست و زبان جلوی زشتی‌ها را بگیر؛ بکوش تا زشتی را از خانواده و جامعه ریشه کن کنی. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲) بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر نسبت به همسر باید همراه با آموزش و ارزش‌های اسلامی و دادن آگاهی باشد؛ نه صرف امر و نهی کردن باشد؛ لذا امیرالمومنین فرمودند: عَلَمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرِ وَأَدْبُوهُمْ؛ نیکی‌ها و ارزش‌ها را به خود و خانواده خویش یاد دهید و آن‌ها را بر محور آن ارزش‌ها مودب کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۴، ص ۲۹۴، ذیل آیه)

از آثار و برکات چنین خانواده‌ای، خدای خویش را به صفات و کمالات عالی می‌شناسند و دستوراتش را بر اساس حکمت و یا علت و فلسفه می‌دانند؛ حتی اگر حکمت آن را ندانند؛ اما اگر زوج بی اهمیت به امر به معروف و یا نهی از منکر باشد و گاه به دست خویش

زمینه های آلودگی به فحشا و انحراف را فراهم کند، مانند تهیه ی فیلم های مستهجن، آنتن ماهواره، امکان سوء استفاده از اینترنت، شرکت در مجالس لهو و لعب و هم نشینی با اهل هوس که به فرموده ی ایشان؛ فراموش خانه ایمان و محل حضور شیطان است. (جعفری، ۱۳۷۶، خطبه ۸۶)؛ همسر خودنما و بدحجاب از مصادیق واضح اینگونه خانواده هاست و گرنه ارزش های والای خود و همسر خود را به دست فراموشی نمی سپردند و شخصیت همسرشان را به اندازه یک کالای مادی و یا عروسک تنزل نمی دادند.

در حالی که تأکید امام بر حفظ زنان در خانه بی هدف نباشد؛ آنجا که به صراحت می فرماید: وَ أَكْفَفْ عَلِيَّهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ يَا هُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلِيَّهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَأَ يُؤْتَقُ بِهِ عَلِيَّهِنَّ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ لَأَ تُمَلِّكَ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا؛ و با حجاب و پوشاندن چشمهای آنها را از دیدار باز دار (مگذار بیرون رفته چشمشان بر مردم افتد) زیرا سخت گرفتن حجاب (پوشیدگی و آراستگی) برای ایشان پاینده تر است (هر چند در حجاب باشند از تباہکاریها محفوظند) و بیرون رفتن اینان بدتر نیست از آوردن تو کسیرا که از جهت ایشان اعتماد و اطمینانی باو نمی باشد (خواه مرد یا زن، زیرا گاهی فساد آوردن بعضی از مردم به خانه بیش از بیرون شدن زنان است، و گاهی فساد آمدن بعضی از زنان نزد ایشان بیش از مردان است) و اگر می توانی کاری کن که غیر ترا نشناسند، و مسلط مکن زن را به آنچه باو مربوط نیست (فیض الاسلام، ۱۳۷۱، ص ۵۹۶)؛ چرا که حضور بی بندوبارانه زنان در هر جامعه ای، آنان را به فساد خواهد کشاند. (مغنیه، ۱۳۸۷ش، ج ۵، نامه ۳۱، ص ۲۷۲).

نتایج تحقیق

با تتبع در متون قرآن کریم، نهج البلاغه و دیگر آثار مرتبط به آن؛ محققاً وجدان سلیم بشری را وادار به این اعتراف می نماید که در این کتاب حیات بخش و هدایت آفرین بیش از هر مکتب و نظام حقوقی توصیه و سفارش نسبت به رعایت حقوق معنوی زنان و مصونیت ایشان از مظالم و حفظ شخصیت و منزلت ایشان گردیده است؛ زیرا در نظام حقوقی اسلام حقوق و مسئولیت ها، نشان دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی باشد و معمولاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هریک از زن و مرد به تناسب نقش های ویژه و بدل ناپذیر در خانواده پیدا می کند. این تفاوت از آن جهت است که امکان وجود سلامت مادی و معنوی

خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد جامعه که جایگاه حقیقی پیدایش و پرورش انسان است، تأمین گردد.

همچنین با بررسی خانواده حدیثی به این نکته رهنمون گشتیم که اگرچه حاکمیت و سرپرستی در قرآن و نهج البلاغه برای زوج قرار داده شده؛ اما این حاکمیت مطلق نیست؛ شرایطی خاص را در کنار آن قرار گذارده و موافقی را از قبیل اصل معاشرت به معروف، اصل عفو و صلح و اصل مودت و رحمت و موارد ذکر شده در این مقال را در آن لحاظ گردانیده است. اما نکته‌ای که قابل اذعان است؛ آن بود که همسران باید همواره برای حفظ و استقرار و پیشرفت و شکوفایی مودت و رحمت میان خویش کوشا باشند و تصور ننمایند که جعل تکوینی از آسیب‌ها و آفت‌های مهلک در امان است و تا زمانی که آرامش میان آن دو فراهم نشود؛ مودت و رحمتی نیز پدیدار نخواهد گشت؛ بنابراین چنین جعلی مقتضای آن است که همسران همواره برای شکوفایی و پویایی این اصل تلاش نموده و اجازه ندهند به سبب جهل و یا غفلت این اصل مورد صدمه هجوم قرار گیرد. از این رو ارجحیت حقوق معنوی و غیرمادی زوجه به اثبات رسید؛ که در آن زوجه یکسری حقوق اخلاقی فردی و اجتماعی دارد که اگر به آن‌ها برسد هم به سکینه خواهد رسید و هم منجر به آرامش زوج خواهد شد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، (۱۹۶۳) شرح نهج البلاغه، دارالاحیاء الکتب العربیه، بیروت.
۳. باستانی و دیگران، سوسن (۱۳۸۹)، طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، مسایل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۴. برایان، بیکس (۱۳۹۳ ش)، فرهنگ نظریه‌ی حقوقی (چاپ دوم)، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی.
۵. بنشاسته، محسن (۱۳۸۱)، اسباب و عوامل رونق زندگی، چ اول، تهران: نشر شاکر.

۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، نهج الفصاحه، ج هجدهم، انتشارات جاویدان.
۷. تعمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، غرر الحکم و دررالکلم، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، زن در آینه ی جلال و جمال، محمود لطیفی، ج نوزدهم، قم: نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، حکمت عملی و نظری در نهج البلاغه، حسین شفیعی، قم: نشر اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، خانواده متعادل و حقوق آن، تدوین ابراهیم جوانمرد فرخانی، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تسنیم، محقق: علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، وسائل الشیعه، احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۴. دزفولی، سید کاظم صدر السادات (۱۳۷۰)، صله رحم و اخلاق در خانواده چاپ دوم، انتشارات کتابخانه صدر تهران.
۱۵. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، ج هفتم، قم: نشر مشرقین؛ دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۷)، حقوق خانواده، ج اول، تهران: نشر میزان.
۱۷. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۷۴)، تاریخ اسلام، ج پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلام.
۱۸. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۷۵)، زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام، ج سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلام.

۱۹. شرفخانی، احمد (۱۳۷۹)، رفتار شناسی امام علی علیه السلام، چ اول، تهران: انتشارات پارسایان.
۲۰. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ه)، حقوق مدنی، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی همدانی، قم: نشر جامعه مدرسین.
۲۲. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، چ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۶۳ش)، فرهنگ فارسی عمید (چاپ اول)، تهران، امیرکبیر.
۲۴. فیض الاسلام (۱۳۷۱)، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات فیض الاسلام.
۲۵. قزوینی، محمد کاظم (۱۳۸۱)، از ولادت تا شهادت امام علی علیه السلام، قم: انتشارات دلیل ما.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چ هفتاد و دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۸. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴ش)، روش فهم حدیث، چ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. مجلسی، محد باقر (۱۳۶۰)، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مجلسی، محد باقر (۱۴۱۳ه)، بحار الانوار، بیروت، دارالضواء.
۳۱. معین، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی، چ ۱۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۲. مغنیه، محمد جواد (۱۳۸۷)، در سایه سار نهج البلاغه (ترجمه فی ضلال نهج البلاغه)، مجموعه مترجمان، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶ش)، تفسیر نمونه، چ نهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۳۴. میرخانی، عزت السادات (۱۳۷۹)، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج اول، تهران: سفیر صبح.
۳۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲ه)، جواهر الکلام، بیروت، موسسه المرتضی العالمیه.
۳۶. نیلی پور، مهدی (۱۳۸۰ش)، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، مرکز فرهنگی شهید مدرس.
۳۷. اله مرادی، ام البنین، سیف اله احمدی (۱۳۹۴)، دو فسنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، مقاله اختیار قاضی برای طلاق در صورت نشوز زوج و مشروط به نبودن آن به عسر و حرج زوجه، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران
۳۸. هدایت نیا گنجی، فرج الله (۱۳۸۵ش)، حقوق مالی زوجه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۹. هدایت نیا گنجی، فرج الله (۱۳۹۰ش) اندیشه های راهبردی زن و خانواده، مجموعه مقالات، ج اول، تهران: پیام عدالت.
۴۰. هنریان، مسعود و سید جلال یونسی (۱۳۹۰)، بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، مطالعات روانشناسی بالینی، سال ۱، ش ۳.